

دانشگاه کارآفرین، اشتغال زنان، و کارآفرینی

قنبر امیرنژاد :

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر و دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت گرایش رفتار سازمانی

محمد حسن محسن نسب :

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر و دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دانشگاه جامیا دهلی نو هندوستان

چکیده :

امروزه تمامی کشورها برای دستیابی به هدف‌های راهبرد ملی، رشد اقتصادی و تولید ثروت، پویایی فرهنگی، تعالی مدنی و انسجام اجتماعی و بطور کلی حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار بر مبنای نوآوری، فن‌آوری و کارآفرینی، مدیریت دانش و دانایی محوری در سطوح و حوزه‌های مختلف در پی بالندگی سرمایه‌های اجتماعی و ارتقاء کیفیت نیروی انسانی خویش می‌باشند. زنان نیز از اولین افراد در خانه هستند که صبح قبل از همه کار را شروع می‌کنند و از جمله آخرین افراد هستند که دست از کار می‌کشند در این میان دانشگاه نیز در قبال توسعه‌ی ملی متعهد بوده و این تعهد در پرتو نقش‌آفرینی زنان و مردان بر پایه کارکردهای مورد انتظار به انجام می‌رسد. زنان کارآفرین می‌توانند نقش آفرین در رسیدن به توسعه‌ی پایدار باشند. از مهمترین موانع توسعه‌ی اشتغال زنان، موانع اجتماعی و عدم آموزش کافی می‌باشد.

این مقاله کوششی در جهت یافتن آسیب شناسی زنان، دانشگاه، اشتغال و کارآفرینی است.

کلمات کلیدی : زنان، دانشگاه، اشتغال، دانشگاه کارآفرین، کارآفرینی، زن کارآفرین

مقدمه :

زنان از اولین افراد در خانه هستند که صبح قبل از همه کار را شروع می‌کنند و آخرین فرد هستند که دست از کار می‌کشند و همچنین از گذشته تا حال زنان از سنین کم چه در شهر و چه در روستا همواره به کار اشتغال داشته‌اند. بنابراین در بسیاری از جوامع کار زنان کم ارزش تلقی شده و یا در بسیاری از موارد ثبت نمی‌شود. امروز تجدید نظر در مفاهیم اشتغال و بیکاری و خانه‌دار بودن یکی از مسائل مهم و اساسی می‌باشد.

انسان بطور طبیعی، گرایش به رشد و تکامل دارد و اصلی‌ترین تفاوت او با دیگر موجودات داشتن تفکر و خلاقیت است و براساس تفکر علمی، روشهای نوین و شیوه‌های جدید در زندگی و محیط مادی اطراف خویش بیافزایند. در نتیجه پویا بودن، آفریدن و خلق کردن و حرکت به سوی تکامل جزو ذاتی انسان است.

پدیده اشتغال و کار از ابتدای زندگی اجتماعی بشر مورد توجه بوده‌است و اشتغال زنان همراه با مردان در مزارع و در خانه، امری عادی تلقی می‌شده و از آنجا که زنان در حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند: نقش آنان عمدتاً در برنامه‌های ملی و بین‌المللی، در رابطه با نحوه برخورد با مقاطع مختلف زندگی و توسعه‌ی سرمایه گذاری، در مناطق در حال پیشرفت مهم‌تر است که متأسفانه نادیده گرفته شده است.

بطور کلی بررسی وضعیت زنان در جهان و به ویژه کشورهای جهان سوم، اهمیت مسأله را بیشتر می‌کند. زنان این نیروی عظیم، که انواع مختلف کارها را چه به طور رسمی و چه غیر رسمی انجام می‌دهند، چنانچه به استعدادهای بالقوه آنان توجه شود یکی از منابع سرمایه‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه خواهند بود.

در گذشته نه چندان دور دغدغه‌ی کشورهای، در حال توسعه‌ی موضوع شکاف صنعتی بود، لیکن امروزه بحث از شکاف بیشتری به نام شکاف دیجیتالی است که در طی دو دهه اخیر فاصله کشورهای پیشرفته در حال توسعه را در فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی ICT به مراتب عمیق‌تر از شکاف صنعتی کرده‌است. زنان با ادامه تحصیل در دانشگاهها و گرفتن پستهای کلیدی در بعضی از سازمانها با رسیدن به کار آفرینی توانسته‌اند به همراه مردان این شکاف عمیق را تا اندازه‌ای پرنمایند.

زنان، در سالهای اخیر رشد شتابان فناوری اطلاعاتی و توسعه‌ی شبکه‌های ارتباطی، افق تازه‌ای در مقابل دانشگاهها، مراکز علمی و پژوهشگران گشوده‌است. ظهور و فنون و شیوه‌های نوین پردازش و انتقال اطلاعات و همچنین ایجاد پایگاههای بزرگ ارتباطی و اطلاعاتی

موجب ارتقای کارایی و بهره‌وری، سرعت در برقراری ارتباطات و کاهش هزینه‌های جاری اطلاعات و برقراری ارتباط و در نتیجه کارآفرینی خواهد شد. در این مقاله با بیان تعریفی از دانشگاه و کارآفرینی نقش زنان را در اشتغال و کارآفرینی بیان می‌نمایم.

زن و دانشگاه کارآفرین

امروزه تمامی کشورها برای دستیابی به هدف‌های راهبردی ملی، رشد اقتصادی و تولید ثروت، پویایی فرهنگی، تعالی مدنی و انسجام اجتماعی و بطور کلی طی طریق در سیر توسعه‌ی پایدار بر مبنای بسط‌نواآوری، فناوری و کارآفرینی، مدیریت دانش و دانایی محوری در سطوح و حوزه‌های مختلف، در پی بالندگی سرمایه انسانی و ارتقای کیفیت نیروی انسانی خویش می‌باشند. به همین منظور دولت‌ها قسمت اعظم بودجه سالانه خود را به بخش آموزش، به ویژه آموزش عالی و بهسازی کیفیت تولید آموزش نیروی انسانی، اختصاص می‌دهند (سامتی و همکاران، ۱۳۸۲). در واقع، آموزش عالی بیانگر نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم سازی زمینه بالندگی دانش، مهارت و نگرش نیروی انسانی در حوزه‌های فنی، حرفه‌ای و مدیریتی بخش‌های مختلف نه تنها موجب ترویج دانش میگردد، بلکه با پیشرفت‌های پژوهشی، فناورانه و علمی که به ارمان می‌آورد، زمینه را برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی فراهم می‌سازد. دانشگاه کار آفرینی و مشارکت نهادمند دانشگاه در توسعه‌ی کارآفرینی یکی از رویکردها یا آرایه‌های دیدمان در حال ظهور برای توسعه‌ی دانشگاهی است. (شریف‌زاده و همکاران ۱۳۸۵)

دانشگاه بسان یک نهاد اجتماعی در قبال توسعه‌ی ملی متعهد می‌باشد و این تعهد در پرتو نقش‌آفرینی پویا بر پایه کارکردهای مورد انتظار به انجام می‌رسد. دانشگاه‌های پویا در قرن بیست‌ویکم، دانشگاه‌هایی هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را به‌روراند و تلفیق نمایند. از دیگر آرایه‌های چنین دانشگاه‌هایی می‌توان به سیر راهبردی و هدفمند، ایجاد توازن بین پژوهش، آموزش و خدمات اجتماعی، تنوع بخشی به منابع تأمین مالی جهت بودجه بندی با ثبات و پایداری مالی و براساس، کارگزاران دانشگاهی بسان کنشگران اجتماعی متعهد و پاسخگو، می‌بایست بارضد نمودن تغییر و تحولات تاثیر گذار و شناسایی ضرورت‌های تحول و جهت‌گیری‌های نهادی مورد نیاز، ضمن باز تعریف رسالت‌ها و مأموریت‌های مورد انتظار وساخت ظرفیت‌های بسنده، در پی ایفای نقشی نهادمند، پویا و سیستمی در فرآیند بالندگی پایدار ملی برآیند. این امر خود نیازمند برنامه‌ریزی مبتنی بر شناخت و تحلیل جامع‌نگر و کلیت‌مدار و آگاهی از سازه‌های سازنده و برساننده و سازو کارهای مقتضی است. نقش‌آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه‌ی کارآفرینی:

ریشه‌واژه دانشگاه را به قرون وسطی نسبت می‌دهند و مربوط به مؤسسه‌ای بود که بدان عنوان‌های School Universitas Magistrorum , arium parisiensium (۱۲۱۵م.) اطلاق میشد که بعداً به سوربن معروف شد. به دنبال آن، دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج انگلستان در ۱۲۸۴م. و هیدلبرگ ۱۳۸۶م.، کولین ۱۳۸۸ و توپینگن در ۱۴۷۷ در ایالات مختلف آلمان ایجاد شدند.

شکل ۱: دیدمان در حال پیدایش دانشگاه



در دانشگاه توجهی خاص به فن آوری، علم و اطلاعات، ارزشها و فرهنگ می شود. و از آن درجهت تولید علم استفاده می شود برای نمونه می توان از فرصت های حاصل از رشد فناوری برای ساماندهی کسب و کارهای کارآفرینانه بهره گرفت و از تسهیلات شبکه ای حاصل از رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان مظاهر تبلور یافته انقلاب دیجیتال برای توسعه ی کسب و کارهای شکل گرفته در سطح اقتصاد مقیاس بهره گرفت .

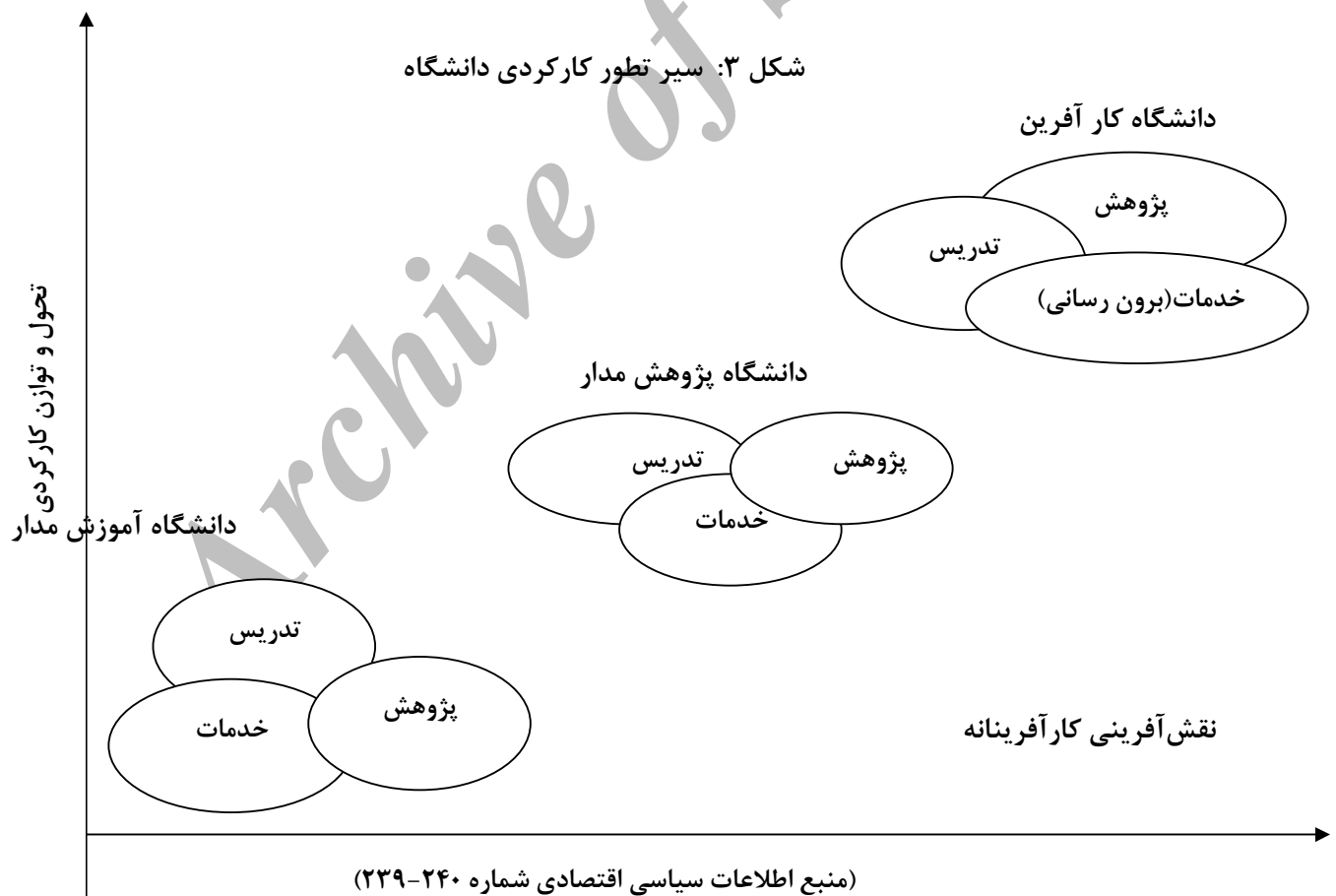
شکل ۲: ارزش زایی هم افزایانه تحولات انقلاب گونه معاصر



(منبع اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۲۴۰ و ۲۳۹)

با وجود چنین تحولاتی سیر تولید و زایش دانشگاه را به شرح زیر میتوان بیان نمود(شکل ۳)

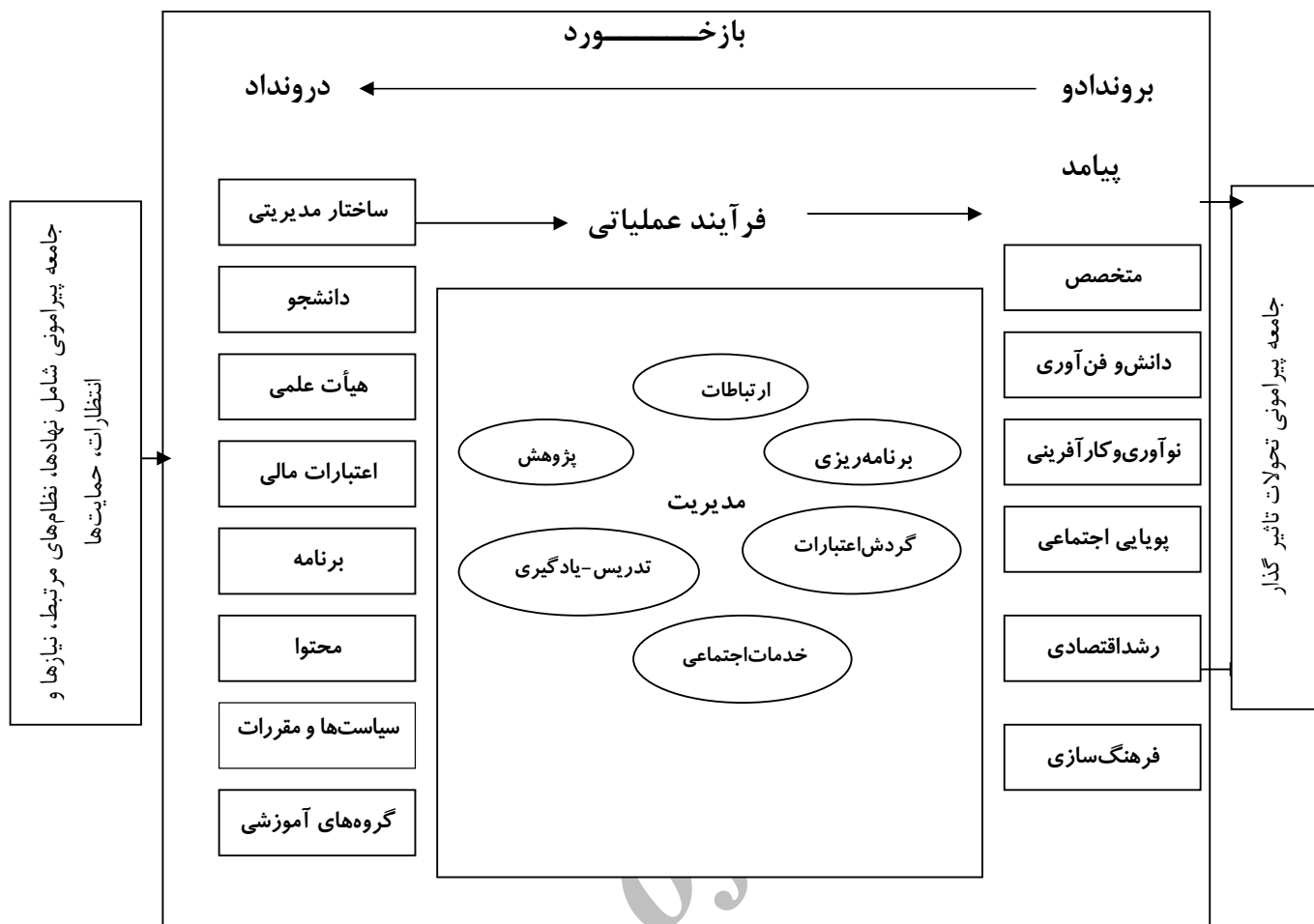
شکل ۳: سیر تطور کارکردی دانشگاه



(منبع اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۲۴۰-۲۳۹)

نگاهی سیستماتیک به دانشگاه و آموزش راه را برای رسیدن به مراحل بالاتر باز می نماید این دیدگاه در شکل ۴ نمایش داده میشود.

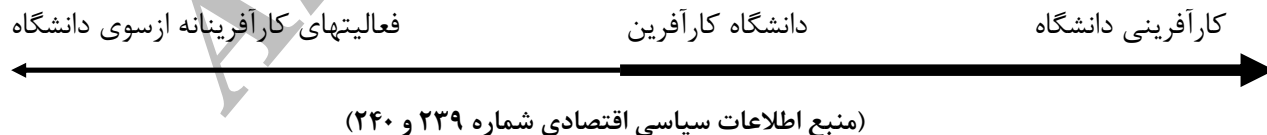
شکل ۴: دیدگاه سیستمی دانشگاه و آموزش عالی



(منبع اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۲۴۰ و ۲۳۹)

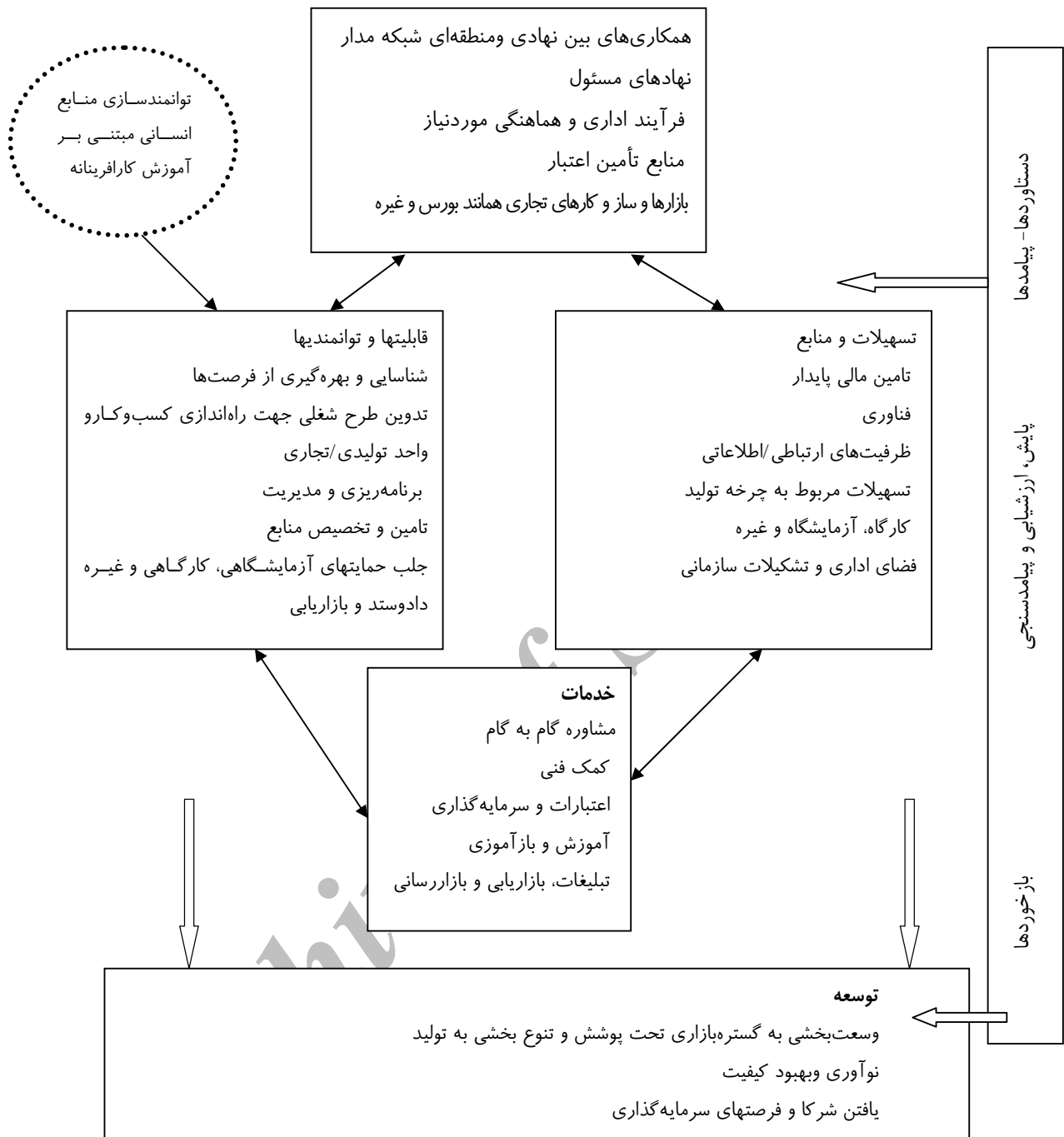
در تعامل سیستمی دانشگاه و آموزش عالی، دانشگاه نقش مهمی را طبق شکل زیر در توسعه کارآفرینی ایجاد می نماید.

شکل ۵: پیوستار نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی



در دانشگاه کارآفرین، توانمندسازی، خدمات و تسهیلات منابع به شکل زیر با توسعه ارتباط پیدا می کنند.

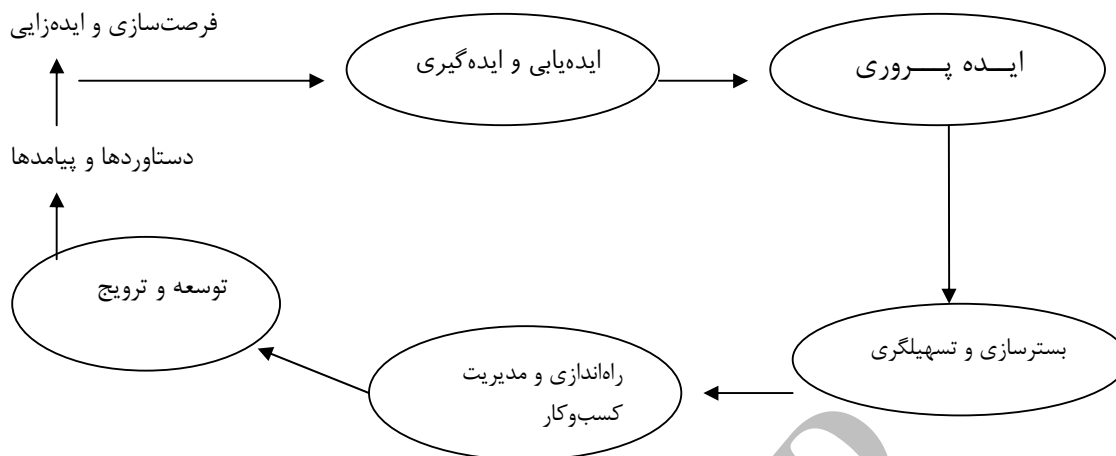
شکل ۶: سازه ها و مولفه های برساننده فرآیند توسعه کارآفرینی*



(منبع اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۲۴۰ و ۲۳۹)

با توجه به موضوعات گفته شده، نقش دانشگاه را در چرخه کارآفرینی به شکل زیر نمایش می‌دهیم.

شکل ۷: چرخه کارکردی نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه کارآفرینی



(منبع اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۲۳۹ و ۲۴۰)

تحصیلات و ارتقاء موقعیت اجتماعی زنان با نقش آفرینی دانشگاه

روشن است که با سواد بودن یک عامل در طبقه‌بندی جامعه‌هاست جامعه با سواد با استفاده از نهادهای ملموس (حروف الفبا و اعداد) از مزایای زیادی برای حفظ ایده‌ها و تاریخش برخوردار است. حتی در میان جامعه‌های با سواد، نسب جمعیت با سواد به عنوان معیاری برای سنجش میزان توسعه یافتگی به کار می‌رود. (نیک گهری، بی تا، ص ۱۴۶) پس ضرورت است محتوای آموزش، الگوی آموزشی روشهای ارائه آموزش نیز متناسب با فرهنگ و بافت هر جامعه باشد، و هر جامعه‌ای متناسب با نیازهای خاص خود چارچوبهای آن را تنظیم نماید. آموزش بعنوان یک نهاد اجتماعی نقش موثری در ارتقای موقعیت اجتماعی به عهده دارد زیرا یک نهاد زیربنایی است و توسعه در این زمینه از نظر کمی و کیفی بر سایر زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی تاثیر می‌گذارد و آموزش باعث می‌گردد تا بسیاری از زمینه‌های نامناسب فرهنگی و پاره فرهنگها از جامعه دور شده و زمینه‌های جدید که الهام گرفته از تفکرات نو، اختراعات، اکتشافات و مبتنی بر ریشه‌های علمی می‌باشند، جای آنها را بگیرد. از این رو آموزش خود تغییر دهنده و متحول زمینه‌های فرهنگی در جامعه می‌باشد. قابل ذکر است که خود فرهنگ به مفهوم مشعلی است که فراراه ما قرار دارد تا به بزرگراه توسعه و پیشرفت برسیم. لذا، توسعه و پیشرفت فرهنگی نیز از بهبود کمی و کیفی آموزش علمی نشأت می‌گیرد. پس پیدایش فکر نو و زمینه‌های علمی جدید انجماد فرهنگی را از بین می‌برد و پویایی فرهنگی را جایگزین می‌کند. (شیخی، ۱۳۸۰، صص ۱۵۳-۵۶)

دانشگاهها بعنوان نهادی موثر در توسعه‌ی کشور در جامعه نوین ایران نهادی موثر هستند که بعنوان محلی برای آموزش و پرورش در سطح عالی هستند و نقش دیگری که به عهده دارند تربیت کارشناس در تمام زمینه‌های علمی، فنی و خدماتی است. (منصوری، ۱۳۸۰، صص ۱۳۶-۹۸)

عمده‌ترین هدف دانشگاه توسعه‌ی تکنولوژی و توسعه‌ی علوم در پاسخ به نیازهای روز، پژوهش و تحقیق در یافتن ارزشهای غالب در جامعه، بعمل درآوردن ارزشها با استفاده از روشها و تحقیق در زمینه‌های اشتغال در بازار کار است. دانشگاه باز هم متاثر از نیاز دانشجویان، ماهیت و نیاز جامعه و سیستم ارزشهای موجود در آن است. (برنجی، بی تا، ص ۵۷)

یکی از عمده‌ترین موانع توسعه‌ای در زمینه اشتغال زنان مانع اجتماعی است که مهمترین مسأله آن آموزش زنان است. عدم آموزش کافی در زنان آنان را دریافتن شغل و دستمزد خوب و درآمد کافی و فرصت رشد و ارتقاء دچار مشکل می‌نماید و همین امر آنان را به سوی مشاغل ثانوی می‌کشاند.

بطور کلی، مشکلات و موانع اشتغال برای زنان مربوط به همه‌ی کشورها اعم از صنعتی و در حال توسعه می‌باشد، با این تفاوت که شدت وضعیت در آنها وجود دارد، بعضی عوامل مؤثرتر و بعضی دیگر تاثیر کم‌رنگ‌تری دارند. موانع

غیر توسعه‌ای چون وضعیت فیزیولوژیک زنان نظام شخصیتی آنان را که از نظام فرهنگی و ارزشهای جامعه نیز تاثیر می‌پذیرد و در اکثر کشورها از مهمترین موانع می‌باشد، و موانع توسعه‌ای که به ساختار کشورهای در حال توسعه مربوط است، و با توجه به شرایط خاص هر کشوری لزوم بیشتر به رفع موانع تعیین می‌گردد.

تحصیل یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده توسعه اجتماعی است و عوامل مهمتری از تاثیر خانواده، در روند اجتماعی شده می‌باشد فرصتهای تحصیلی برابر با مردان که قابل دسترسی برای زنان باشد، بیش از هر عنصر دیگری در تغییر رفتار زنان مؤثر است و زنان به سطح بالایی از نقش اجتماعی خود پی می‌برند. مشاهدات نشان می‌دهد که زنان تحصیل کرده، در یک سطح بالاتر، پاسخگوی نیازهای خانواده هستند. همچنین، در شغل خود با ثبات تر هستند و مشارکت آنان در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی بیشتر است. تحصیلات یک عامل عمده در معرفی نقشها و منزلت زنان می‌باشد. خصوصاً تحصیلات رسمی در مؤسسه یا جایی که شناخته شده است، برای رشد و ترقی زنان مؤثر می‌باشد. بنابراین، تلاش برای یافتن تحصیلات رسمی، یکی از راههای برداشتن موانع رشد آنان می‌باشد (سفیری، بی‌تا، صص ۱۰۰-۱۰۷).

البته زنان نیز ساکت و منفعل نماندند و در همه‌ی سطوح به مبارزه برخاسته تا به حق مشارکت برابر با مردان در زمینه‌ی اشتغال دست یابند. از آن جمله می‌توان به مبارزه‌ی ایشان برای حقوق تحصیلات دانشگاهی اشاره کرد. (پاملا بوت، ۱۳۷۸، صص ۱۷۲).

شاغلین زن، امکان بیشتری برای تحصیل در مقاطع بالاتر داشته‌اند. هر چند رتبه سواد شاغلین زن و مرد به سود زنان بالاتر می‌باشد و هر چند تفاوتی میان زنان و مردان در کسب امتیازات تحصیل و اشتغال وجود دارد، با این حال زنان همواره برای به دست آوردن شرایط بهتر جهت رشد و ارتقای خود تلاش نموده‌اند و بیشتر در مشاغل علمی و تخصصی تمرکز کرده‌اند. مثل معلمی، پزشکی و غیره (سفیری، بی‌تا، صص ۱۱۰-۱۱۹).

قابل ذکر است که سرمایه گذاری کردن روی زنان دواى همه‌ی دردها نیست، به فوریت به فقر خاتمه نمی‌دهد، نابرابری‌های موجود بین مردم در کشورها را از بین نمی‌برد، سریعاً رشد جمعیت را پایین نمی‌آورد، محیط زیست را بهبود نمی‌بخشد، یا صلح را تضمین نمی‌نماید، بلکه خود قدم مهمی به سوی همه‌ی این اهداف است. سرمایه‌گذاری روی زنان به پی‌ریزی نسل‌های آینده کمک می‌نماید که چگونه از منابع و فرصت‌ها بهتر استفاده نمایند.

یکی از مشخصات عمده نیمه دوم قرن بیستم بی‌تردید شناخت این واقعیت است که آموزش یکی از حقوق اساسی افراد و شرط پیشرفت اجتماعی است. از نقطه نظر جامعه شناسی علم و تکنولوژی این نکته شایان توجه است که بین محتوا و روشهای آموزشی با محیط طبیعی و فرهنگی و اجتماعی که آموزش در آن به افراد عرضه می‌شود می‌بایست پیوند سازگاری معقول و موجهی وجود داشته باشد. از دیدگاه کلی، شیوه همگام ساختن آموزش و آموزش حرفه‌ای با امکانات اشتغال هنوز در بسیاری از جوامع رو به توسعه ناقص است. مشاهده این مدعی آموزش عالی است، که در آن دانشجویان بی‌توجه به توسعه جامعه و نیازهای اشتغال آن در آینده رشته‌های گوناگونی را که به آنها عرضه شده‌است، برمی‌گزینند. این امر سبب می‌شود که در پاره‌ای از رشته‌ها و فور نیروی انسانی ماهر وجود داشته باشد، و در پاره‌ای از رشته‌ها، دیگر کمبود، چنین وضعیتی از نظر جامعه شناسی، هم در یافتن کار مشکلاتی ایجاد می‌کند و هم برای افراد ناکامی می‌آفریند. (شیخی، ۱۳۹۶، صص ۱۰۱-۱۳۰).

در کشوری مانند ایران گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمانهای آموزشی (مدارس و دانشگاهها) در طی مدتی بالنسبه کوتاه در اغلب شهرها شدت یافت. اما از آنجا که این امر با شتاب‌زدگی در میان برخی از گروهها مطرح گردید و در عین حال شرایط اجتماعی- فرهنگی جامعه، خیلی از موارد پویایی متناسب با آن را نداشته‌است، اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد در برخی از موارد مواجه گردید و از سوی دیگر اختلاف عقیده را در میان توده‌های مختلف مردم موجب شد. (ساروخانی، ۱۳۷۵، صص ۱۷۸).

محدودیت تقاضا برای اشتغال و محدودیتهای بیشتر برای اشتغال زنان، سبب شده‌است که زنانی با تحصیلات دانشگاهی به جمع شاغلان شهری بپیوندند و زنانی با تحصیلات دیپلم، متوسط و پایین تر به خیل بیکاران شهری و در آمارهای رسمی به جمعیت زنان خانه‌دار، شاید بتوان گفت این تبعیض از یک نظر به نفع زنان تمام شده و ایشان را به سمت تحصیلات عالی سوق داده‌است. از این نظر می‌توان گفت اگر چه کمیت حضور زنان در حوزه اشتغال ناچیز است، ولی کیفیت آن به دلیل افزایش حضور زنان با تحصیلات عالی شایان توجه است. در عین حال می‌توان امیدوار بود که افزایش نسبت زنان شاغل با تحصیلات بالاتر در بازار کار، شرایط عملاً برای بهبود وضعیت اشتغال زنان فراهم آید. عبارت دیگر، رابطه میان شغل زنان با رشته تحصیلی ایشان رابطه‌ای نامناسب است که موجب می‌شود زنان در مشاغل که پایینتر از حدود تواناییهای عملی آنهاست، فعالیت نمایند، از طرف دیگر افزایش میزان تحصیلات زنان اگر چه موجب می‌شود که نسبت زنان تحصیل کرده و دارای تحصیلات دانشگاهی در میان زنان شاغل افزایش یابد، اما تغییر اساسی در ساختار نابرابر اشتغال به وجود نمی‌آورد.

تحقیقات نشان می‌دهد که حضور زنان در مشاغل و مدیرتهای بالا و مراجع تصمیم‌گیری، قانونگذاری و سیاست‌گذاری بسیار اندک است. البته اکنون این آمار تغییر یافته و به تعداد زنان شاغل در رده‌های مدیریتی اندکی افزوده شده‌است. تعداد زنان شاغل در پستهای مدیریتی دانشگاهها نیز رو به افزایش است.

تغییر در میزان اشتغال زنان، ساختار اشتغال، رابطه شغل و تحصیلات، رابطه شغل و تخصص و همچنین افزایش نقشهای مدیریتی زنان، تنها در صورتی منجر به گسترش نقش زن در توسعه خواهد شد که شرایط ویژه‌ای محقق شود.

(فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۳۷۹، ص ۲۰)

ضرورت و اهمیت فعالیتهای کارآفرینانه زنان:

فعالیتهای اقتصادی زنان و رفتن آنان به سوی فعالیتهای کارآفرینانه به دو گونه است: بر پایه ضرورت یا بر پایه فرصت، که در کشورهای توسعه یافته بیشتر بر پایه فرصت و در کشورهای رو به توسعه بر پایه ضرورت است. به هر رو، دو گروه کارآفرینان به دلایل گوناگون از جمله بیکاری و کاهش دستمزدها وارد عرصه کارآفرینی می‌شوند، (GEM, 2006) ۶۰ درصد از کارآفرینان در اروپای شمالی و ۷۰ درصد در اروپای جنوبی به این کار رو آورده‌اند. (Kantor, 2002, 12)

بر پایه آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران میزان بیکاری زنان از ۱۴ درصد در ۱۳۷۵ به ۱۷/۸ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده‌است، و با آنکه تحول در مورد زنان بسیار مثبت‌تر و چشمگیرتر از مردان بوده‌است، نرخ بیکاری در ۱۳۸۲ در میان مردان ۱۰/۱ درصد و میان زنان ۲۱/۴ درصد بوده و در ۱۳۸۳ این نسبت به ۹ برای مردان و ۱۷/۸ درصد برای زنان کاهش یافته‌است. نرخ بیکاری زنان در ۱۳۸۳ کمابیش دو برابر مردان اعلام شده‌است. (سالنامه آماری، ۱۳۸۳)

روشن است که جذب این سرمایه ملی در سازمانهای دولتی کنونی که بیشتر باتورم نیروی انسانی روبه‌رویند، ممکن نخواهد بود. از این رو برای بالا بردن سهم زنان در اقتصاد ملی و رویارویی با بحران بیکاری زنان، باید شرایط لازم برای توسعه کارآفرینی زنان در ایران فراهم گردد تا آنان با ایجاد شغل و فرصتهای شغلی برای خود و دیگران بتوانند به از میان برداشتن معضل کنونی جامعه یعنی بیکاری کمک کنند.

تعریف کارآفرینی:

کارآفرینی واژه‌ای نو است که تعریف‌هایی چند برای آن وجود دارد زیرا کارآفرینی بسته به نظر پژوهشگران در رشته‌های گوناگون و سرشت خود از دیدگاه‌های اقتصادی، روانشناسی و جامعه‌شناسی تعریف شده‌است، از این رو به دست یافتن یک تعریف مشخص از کارآفرینی دشوار است. واژه کارآفرینی از واژه فرانسوی انترپرندر *entrepreneur* به معنای (متعهد شدن) گرفته شده‌است.

کارآفرینی از دیدگاه اقتصاددانان:

کارآفرینی، فعالیتی است مانند عرضه کردن کالایی نو، روشی نو در فرآیند تولید، گشایش بازاری تازه، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه تشکیلات تازه در صنعت. (Schumpeter, 1934)

کارآفرینی از دیدگاه پژوهشگران در زمینه علوم رفتاری:

دانشمندان در زمینه علوم رفتاری با درک اهمیت نقش کارآفرینان در اقتصاد، به شناسایی ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری کارآفرینان پرداخته‌اند. «کودین و سلیون» سه بعد رفتاری و گرایشی برای کارآفرینی در نظر می‌گیرند:

- نوآوری، جستن راهکاری تازه به فرصتها با وجود امکان شکست راهکارها. (Morice 1999)

- ریسک پذیری، تخصیص منابع به فرصتها با وجود امکان شکست راهکارها. (Morice 1999)

کارآفرینی از دیدگاه دانشمندان در رشته مدیریت:

دانشمندان در رشته مدیریت به بررسی کارآفرینی سازمانی و تشریح چگونگی فرآیند کارآفرینی پرداخته‌اند. استیونسن کارآفرینی را فرآیند ایجاد ارزش راه به کارگیری و درهم آمیختن مجموعه‌ای از منابع بی‌مانند برای به دست آوردن فرصت می‌داند. (sadler, 2000)

برسهم، کارآفرینی فرآیند و نوآوری‌ها و ایجاد کسب و کارهای تازه در شرایط خطر خیز از راه یافتن فرصتها و بهره‌گیری از منابع است، و کارآفرین کسی است که بنگاهی را ایجاد و اداره می‌کند و هدف اصلی اش سودآوری و رشد است. برجسته‌ترین ویژگی کارآفرین، نوآوری

است. (احمدپور، ۱۳۷۸)

تعریف کارآفرینی زنان:

پروفسور دینالای و رابرت فیلیون (۱۹۹۵)، زن کارآفرین را چنین تعریف می‌کنند:

کسی که به تنهایی یا با مشارکت یا با ارثیه‌ای، کاری را با خلاقیت و نوآوری به راه‌انداخته یا پذیرفته و با پذیرش مسئولیتهای اجتماعی و اداری و مالی و ریسکهای مالی، فرآورده‌های تازه‌ای عرضه کرده تا در بازار خرید و فروش برقیبان چیره شود.

وضع کارآفرینی زنان در جهان بر پایه تازه‌ترین آمارهای GEM (Global Entrepreneurship Monitor)

در حال حاضر نیمی از جمعیت ۲/۴ میلیاردی نیروی کار در جهان را زنان تشکیل می‌دهند. برپایه گزارش GEM در سال ۲۰۰۶، از هر ۱۰۰ تن در جهان ۷ زن کارآفرین می‌شوند.

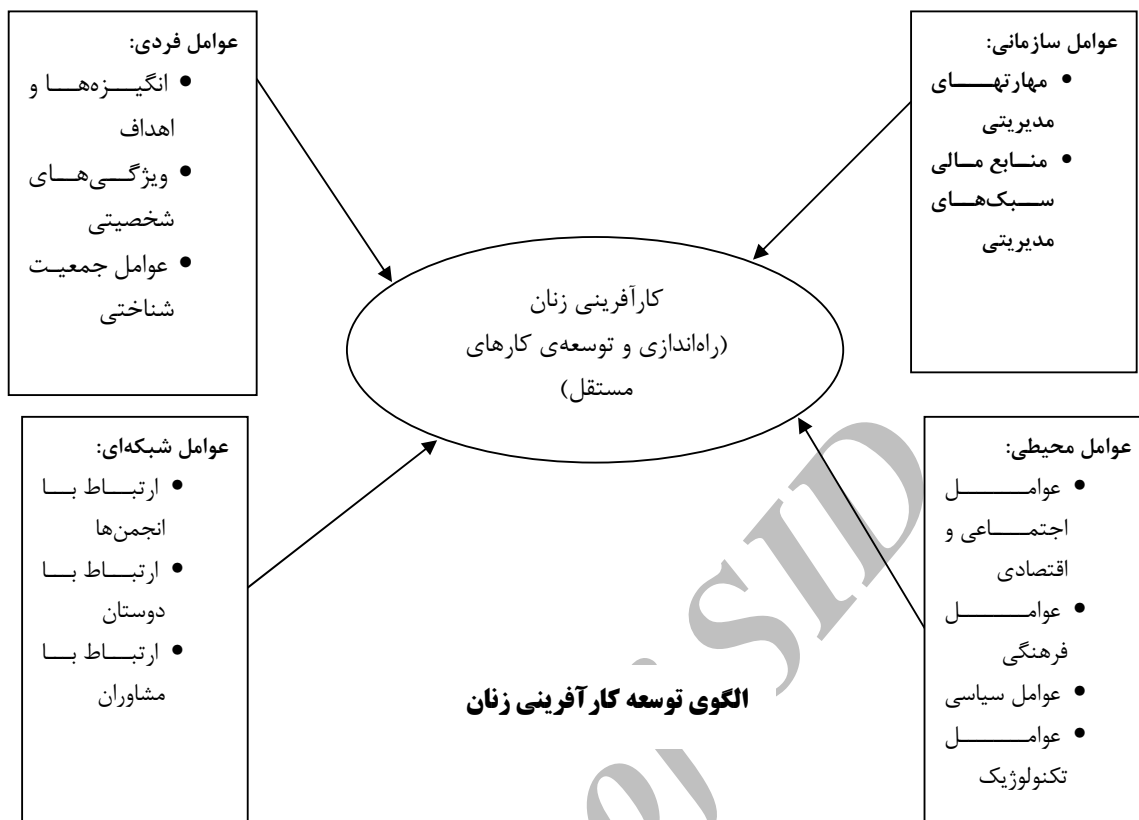
زنان کارآفرین در آمریکا از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲، ۹/۱ میلیون شغل تازه پدید آورده‌اند و باعث اشتغال ۲۷/۷ میلیون تن شده‌اند. (Barboto & Denartino, 2002)

هم اکنون، زنان کمابیش ۴۰ درصد از کل مشاغل دربخش خصوصی را به دست گرفته‌اند و ۸۰ درصد از کارگران پرکار نیز از زنان هستند که بیش از ۳/۶ تریلیون دلار درآمد حاصل از فروش ایجاد کرده‌اند. کارآفرینی زنان در بریتانیا از ۳/۳ درصد در ۲۰۰۲ به ۳/۹ درصد در ۲۰۰۴ افزایش یافته‌است و از هر چهار زن یک تن به کاری تازه می‌پردازد.

در لهستان در ۱۹۸۹ سهم زنان دارای کسب و کار ۲/۷ درصد بوده‌است. در ۱۹۹۱ این رقم به ۳۳ درصد و در ۱۹۹۵ به ۳۹ درصد رسیده‌است که افزایشی چشمگیر است. امروزه از هر ۵ زن لهستانی یک تن کارآفرین است. نرخ افزایش شمار زنان کارآفرین از نرخ مشابه در میان مردان بیشتر است.

مدارک روشن و مستدلی در دست است که نشان می‌دهد زنان کارآفرین در کانادا نقشی برجسته در اقتصاد آن کشور دارند. در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹ شتاب افزایش مشاغلی که به دست زنان ایجاد شده دو برابر شتاب افزایش فعالیتهای شرکتی کانادایی بوده‌است. این‌گونه فعالیتهای در همه‌ی ایالت‌های کانادا با سرعت رو به افزایش است. شمار بنگاههای در اختیار زنان، بیش از یک سوم مشاغل و دادوستدهای این کشور بوده و برای ۱/۷ میلیون کانادایی، شغل ایجاد شده‌است. سرعت ایجاد کار در بنگاههای زیر مالکیت زنان، ۱۳ درصد یعنی ۴ برابر بیشتر از سرعت ایجاد مشاغل در کل شرکتها بوده‌است. افزایش خوداشتغالی در ۲۰ سال گذشته در کانادا برای مردان ۷۴ درصد و برای زنان ۲۵۶ درصد بوده‌است.

در شکل زیر الگوی توسعه‌ی کارآفرینی زنان را که در ابعاد عوامل فردی، عوامل شبکه‌ای، عوامل سازمانی و عوامل محیطی صورت می‌گیرد را نشان می‌دهیم.



(منبع اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۹ و ۲۴۰ سال ۱۳۸۵)

زن و اشتغال

پدیده اشتغال و کار از ابتدای زندگی اجتماعی بشر مورد توجه بوده است. (سفیری، ۱۳۷۷، ص ۱۹۴). و بنا به گفته مطهری کار انسان را می‌سازد. و شخصیت آدمی بر حسب نوع فعالیت‌های او شکل می‌گیرد. پس نوع شغل، باید با استعداد، امکانات، توانایی جسمی، ویژگی‌های روحی و فرد، تناسب داشته باشد. (مطهری، بی‌تا، صص ۷-۶۸). و از نگاه ایشان کار از حقوق زنان است. (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۱۹۴).

به طور کلی رفتار انسان برگرفته شده از نیازهای اوست. میزان انگیزش جهت انجام هر فعالیت بستگی به قدرت نیاز دارد. از طرف دیگر تصور انسان نسبت به نیاز و همچنین در نظر گرفتن هدف به عنوان علت غایی گرچه شرط لازم برای انگیزش فعالیت‌هاست، ولی شرط کافی میزان دسترسی به لوازمی است که بعضاً خارج از حیطه قدرت و تصمیم‌گیری ما هستند. پس کار و اشتغال از پیش شرط‌هایی برای ارضای نیازهای اساسی است. (سفیری، ۱۳۷۷، صص ۴۲-۴۳).

جامعه‌شناسان زندگی انسان را به سه بخش: کار (اشتغال درآمدزا)، فراغت (در زمان تفریح و سرگرمی) و ضرورت (زمان خواب و خوراک و دیگر فعالیت‌های حیاتی) ... تقسیم می‌کنند.

در زندگی زنان مسلمان کمتر پیش می‌آید که شاغل باشند و اگر به کار مشغول باشند و شغلی خارج از منزل داشته باشند بیشتر مشاغل کارمندی است. خصوصاً شغل‌های نیمه تخصصی که آزادی عمل کمتر دارد، منزلت و دستمزد آن کمتر است و با این وجود مدت اشتغال زنان در طول زندگی‌شان مداوم رو به افزایش است در صورتی که بدلیل مسئولیت‌های خانگی شمار افراد شاغل تمام وقت دائمی بسیار اندک است. (پاملا بوت، ۱۳۷۸، صص ۱۷۱-۱۷۸).

اشتغال به کسب استقلال اقتصادی و نتیجه آن به قدرت تصمیم‌گیری زنان، چه در سطح خانواده، و چه در سطح اجتماع کمک می‌کند. (فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۳۷۹، ص ۲۲). و بعضی از زنان امروز در جامعه ما در خانه ماندن را ضد ارزش دانسته و اجتماعی شدن و خروج از منزل را ارزش قلمداد می‌کنند. و در همین راستا نگرش‌های گوناگونی در مورد اشتغال زنان در خارج از خانه وجود دارد که موافقان اشتغال زن در خارج منزل چنین استدلال می‌کنند، مادرانی که اعتماد به نفس را از طریق شغل کسب نموده‌اند و از تعلیم و تربیت برخوردارند حس اعتماد به نفس و سازندگی را خیلی زود به فرزندان‌شان القاء کرده و آنان را از نظر رشد، در سطح بالاتری قرار می‌دهند و

نیز از نظراقتصادی، اشتغال زن، خصوصاً در طبقه متوسط، استقلال برای زنان به همراه می‌آورد که وابستگی اقتصادی او به شوهر را تا حد زیادی کم می‌کند.

اشتغال بانوان علاوه بر ایجاد اعتماد به نفس و استقلال نسبی مالی، سبب ارتقاء آگاهی‌های اجتماعی زنان، بهره‌مندی آنان از امکانات آموزشی، تخصص و حرفه می‌شود و با کسب هویت خود، به فرزندان زیاد تن نداده و در کار خانگی نیز، توقع مشارکت مردان را خواهند داشت و به زوال بینش تقدیرگرایی در زنان کمک می‌کند. (منصورنژاد، بی‌تا، صص ۱۱۷-۱۱۸)

در تحقیقاتی این نتیجه حاصل شده که در مجموع، زنان شاغل بیرون از منزل، از امتیازاتی برخوردارند که باعث می‌شود تا از لحاظ روحی، روانی و عاطفی، در شرایط سلامت مساعدتری، نسبت به زنان شاغل در خانه برخوردار گردند. (مجله اندیشه جامعه، ۱۳۷۹، صص ۳۲). از بوعلی سینا نقل شده که چنانچه زن بی‌کار باشد، از نظر اخلاقی به فساد کشیده می‌شود، احساس پوچی می‌کند و خود را به امور لغو و بیهوده مشغول می‌سازد و لذا مرد باید همسر خود را به امور مهمه مشغول سازد (مجله فرهنگ و توسعه، ۱۳۷۶، صص ۶۴).

اشتغال بانوان بر فرزندان نیز تأثیراتی مثبت از این قبیل دارد: جامعه پذیری کودکان را بهتر می‌کند، باعث رشد اجتماعی و تحصیلی بهتر کودکان، به ویژه دختران می‌شود، ساخت خانواده را دموکراتیک‌تر می‌کند که بر فرزندان نیز تأثیر مثبت دارد، امکانات مادی مادر قدرت تصمیم‌گیری بهتر درباره فرزندان را فراهم می‌کند. در این صورت سبب تحکیم خانواده و رفع نیازهای ضرورت‌های خانواده می‌شود، و از تزلزل آن جلوگیری می‌نماید و اشتغال زن باعث بدست آوردن ارزش انسانی و حسن می‌شود که به همراه آن رشد، بلوغ و کسب تجربه‌هایی برای زنان در امر تعلیم و تربیت فرزندان می‌شود. و این استقلال اقتصادی زن، به او فرصت می‌دهد تا به دلخواه مناسب نیازهای فرزندش را جبران کند زیرا فقر اقتصادی و بی‌توجهی به خواسته‌های جدی کودکان آثار تخریبی عمیقی بر روح و جان فرزند دارد و ممکن است شخصیت آن‌ها تحقیرتر شده و در جامعه به زیر سؤال برود. جودیت‌هان می‌گوید: «زنانی که تحصیل کرده‌اند و توقع کار دارند، وقتی تمام روز را با کودکان خود سپری می‌سازند، به آسانی می‌توانند افسرده و دلتنگ نشوند. در این شرایط، برای کودکان بهتر است که مادرانشان کار کنند و خوشحال به خانه بازگردند، زیرا کیفیت مراقبت از کودکان، به مراتب مهمتر از کمیت آن است (هان جودیت، ۱۳۶۹، صص ۵۵).

موقعیت زنان شاغل

در گزارش موقعیت جمعیت جهانی در ۱۹۸۸ که توسط سازمان ملل ارائه شده است، گفته شده که زنان قلب توسعه هستند. (زنجانی، ۱۳۷۲، صص ۱۴۷)، رات دیسکون موقعیت زنان را اینطور تعریف می‌کند: «موقعیت زنان عبارت از میزان دسترسی آنان به منابع مادی و اجتماعی درون خانواده، جامعه و اجتماع بطور کلی، و میزان کنترلی که بر آنها دارند. (شیخی، ۱۳۶۹، صص ۲۱۱). بالاخره می‌دانیم که پایگاه اجتماعی یک بعدی نیست و ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و منزلت اجتماعی دارد، بعد اقتصادی شامل درآمد و ثروت است، بعد سیاسی شامل قدرت تصمیم‌گیری و منزلت اجتماعی شامل درجه احترام، نخستین و مورد تقلید بودن و نقش پیشهاد دهنده داشتن است.

نکته مهم‌تر ارتباط و تاثیر متقابل این ابعاد بر یکدیگر است. ارتقای پایگاه زنان یعنی افزایش قدرت تصمیم‌گیری در امور فردی و اجتماعی، توسعه‌ی فراگردی است که بدون شک منافی آن هم نصیب کسانی می‌شود که در آن مشارکتی ندارند. همچنین توسعه مداوم امکان ندارد مگر با مشارکت همه‌گیر و برابر زنان، به همین جهت موفقیت در حل مسأله دشوار جمعیت نیز بدون توجه به پایگاه اجتماعی زن، ممکن نخواهد بود. (زنجانی، ۱۳۷۳، صص ۱۵۳).

در ساختار اشتغال، زنان همواره نقش مجری و نه متولی امور اجتماعی را دارند. بنابراین تأکید می‌شود که افزایش نرخ اشتغال زنان به خودی خود و تا هنگامی که الگوی اشتغال تحول اساسی نیافته است، نمی‌تواند نشان دهنده افزایش سهم زنان در توسعه باشد، چرا که یکی از عوامل مهم در توسعه تصمیم‌گیریهایی صحیح در مورد نحوه استفاده از امکانات موجود برای رسیدن به وضعیت مطلوب است. تا وقتی نقش زنان در تصمیم‌گیری افزایش نیابد، نمی‌توان از افزایش نقش زن در توسعه یاد کرد.

در مواجهه تصمیم‌گیریهایی اقتصادی و اجتماعی است که از لحاظ فرهنگ توسعه‌ی قابلیت‌های خود را به نمایش می‌گذارند و آنها را در محک تجربه اصلاح می‌نمایند. پس مشارکت اقتصادی زنان در صورتی می‌تواند موثر باشد که همراه با استقلال اقتصادی ایشان باشد. بنابراین کسب استقلال اقتصادی می‌تواند یکی از عوامل زمینه ساز برای افزایش اعتماد به نفس و تقویت روحیه تصمیم‌گیری در زنان باشد. پس با مشارکت اجتماعی زنان در امر توسعه باعث می‌شود زنان از مجری بودن به نقش داشتن در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ایفاء نقش کنند. ولی نباید این نکته را فراموش کرد که چنین تغییری، اگر قرار باشد اتفاق بیفتد، از مجرای افزایش تعداد زنان با تحصیلات عالی در رده‌های گوناگون شغلی خواهد بود، هم از این رو آوردن زنان به تحصیلات عالی و در نتیجه ورود مدبرانه ایشان به فعالیتهای اجتماعی زمینه چنین تغییری را فراهم خواهد آورد.

یکی از نظریه‌های غالب در ایران در مورد نقش زن در توسعه این است که زنان در رشد و تعالی جامعه مشارکت دارند. ولی این مشارکت به صورت پنهان است و نمود ظاهری کمی دارد. در نوشته‌های این گروه بر این نکته تأکید می‌شود که اگر چه زنان مستقیماً در فعالیتهای اجتماعی دخالت کمتری دارند، اما سهم واقعی ایشان در تولید اجتماعی اگر بیشتر از مردان نباشد، کمتر از آنان نیست و در واقع مساوی است. و یا به عبارتی نقش زنان واسطه‌ای، است در فراهم آوردن شرایط کار مطلوب برای مردان، در نقش همسر و تربیت مردان آگاه و با کفایت در نقش مادر است.

فقدان برابری اجتماعی میان زن و مرد، بخصوص در زمینه اشتغال، یکی از مهمترین عوامل در توسعه جامعه است. تبعیض جنسیتی در اشتغال و در تمامی حوزه‌های خاص اشتغال و ارتباط شغل با تخصص افراد نیز اثر گذاشته است. محدودیت قایل شدن برای تواناییهای بالقوه زنان در فعالیتهای مختلف اجتماعی، بر موضوع توسعه تاثیر منفی خواهد گذاشت.

بنابراین می‌توان به صورت موردی، به نقش زن در توسعه پرداخت زیرا موانعی مثل موانع فرهنگی، نگرشهایی را نسبت به زن در جامعه بوجود آورده که هم مانع گسترش نقش او و هم باعث افزایش نقشش می‌شوند خصوصاً نگرشهایی مثل نگرش سنتی یکی از موانع مهم فرهنگی در راه گسترش نقش زن است. نگرشی که بعنوان جنس دوم نظر دارد. و نتایج زیانباری را هم در میان مردان و هم میان زنان، در مرحله عمل به بار آورده است. تأثیر آن به گونه‌ای بوده است که با تثبیت فرهنگ تبعیض و در نتیجه ادامه و وضعیت تبعیض آمیز اشتغال در سطوح مختلف نیز شده است.

تاثیر نگرش نامناسب به زن در مردان به دو صورت بروز کرده است: نخست اینکه نگرش غالب در جامعه این است که نقش تربیت فرزند نقشی است زنانه و نقش پدر عبارت است از تامین حوائج مادی خانواده، در چنین شرایطی زنان اگر قصد پرداختن به فعالیتهای اجتماعی را داشته باشند باید به اندازه دو نفر، خانه دار و شاغل کار کنند معلوم است که این نگرش در نهایت موجب افزایش بار نقش، تنش نقشها و سرانجام فرسودگی زود هنگام زنان شاغل خواهد شد. تاثیر دیگری که نوع نگرش به زن بر رفتار عملی مرد می‌گذارد، این است که زنان با مشکلی مواجه هستند که ناشی از نپذیرفتن نقش مورد انتظارشان است و به همین دلیل نیز می‌خواهند که در نقش مرد ظاهر شوند.

درونی شدن نگرش در زنان باعث تقسیم جنسی نقشها و در دنیا و در ایران به گونه‌ای شده که سبب محدود شدن فعالیتهای اجتماعی زنان، در مقایسه با مردان، شده است. اما از آنجا که زنان خود نیز، به عنوان اعضای جامعه از عرف پیروی می‌کنند این محدودیتها را امری بدیهی و عادی می‌دانند. عبارت دیگر، اگر چه تقسیم جنسی نقشهای اجتماعی در ایران حوزه فعالیتهای شغلی زنان را محدود و ایشان را از بروز بسیاری از تواناییهای بالقوه شان منع کرده است. که خود همین طرز تلقی مغلطه و تابعی زنان از نقش خود در جامعه یکی از موانع مهم در راه گسترش نقش زن در توسعه به حساب می‌آید. البته در بحث نقشهای مدیریتی زنان مشخص خواهد شد که در عمل این نوع نگرش در نزد زنان امروز ایران در حال تغییر و تحول است و همین امر به ضرورت تحول نگرش مردان منجر شده است. (فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۳۷۷، صص ۸-۲۲)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

با توجه به تحقیقات انجام شده از سازمان برنامه و بودجه اداره کار و امور اجتماعی و آمار گرفته شده از دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه بین سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۵ می‌توان چنین استنباط کرد که اشتغال زنان و دختران در شهرستانها به لحاظ جمعیت کار واحدهای تولیدی که عمدتاً از صنایع سنگین و از نظر نوع فعالیت در زمره کارهای سخت هستند و عدم وجود صنایع تولیدی سبک و ظرفیت و مونتاژ و امثالهم و همچنین محدودیت و ممنوعیت استخدام در دستگاههای دولتی و عدم استخدام نیروی کار بومی و پایبند نبودن موضوع بکارگیری متقاضیان کار و پیروی از قانون خاص خود و دستورات مسئولین مربوط به خودشان و متابعت از قانون و اقدام از طریق اداره کار، مهمترین عامل افزایش بیکاری و بالا رفتن نرخ بیکاری، نبود فرصتهای شغلی برای افراد جویای کار در مقابل فراوانی متقاضیان کار باعث شده که بسیاری نتوانند شغلی بدست آورند.

دانشگاهها توانسته‌اند در بسیاری از زمینه‌ها ایجاد شغل نمایند. از قبیل:

- ارائه خدمات مشاوره‌ای شغلی - فرهنگی - اجتماعی توسط کانون فارغ‌التحصیلان دانشگاهها
- ارتقاء بسیاری از مسئولان سازمانهای دولتی و غیردولتی در پستهای مدیریتی و معاونت که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این دانشگاهها بوده‌اند. چه در سطح شهرستانها و یا خارج از آن.
- بکارگیری دانشجویان همکار در تمامی قسمتهای دانشگاه، که باعث روند سریع امور اداری شده و برای دانشجو یک منبع درآمد و ایجاد رفح نگرانی مالی شده است.

عوامل اثر گذار در موفقیت فرایند راه‌اندازی و توسعه‌ی فعالیتهای کار آفرینانه از سوی زنان در چهار دسته فردی، شبکه‌ای، سازمانی و محیطی بررسی می‌شود پس از بررسیهای فراوان معلوم شد عوامل شبکه‌ای و عوامل فری مانند انگیزه‌ها و هدفها، ویژگیهای شخصیتی و

عوامل جمعیت شناختی از عوامل مؤثر در کارآفرینی زنان ایرانی است. همچنین عوامل محیطی چون عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی و تکنولوژیک از عوامل مؤثر به شمار می‌آید. برای گسترش فرهنگ کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب آموزشی در جهت فعالیتهای اقتصادی و کارآفرینانه زنان ایرانی و بروز خلاقیتها و نوآوری آنان راهکارهای زیر پیشنهاد میشود:

- ❖ آگاهی دادن به زنان جوان بویژه دانش آموختگان دانشگاهی درباره کارآفرینی، بعنوان شیوه‌ای سازنده در زندگی و راهی برای برون رفت از بیکاری؛
- ❖ اثر پذیری مثبت از رخدادهای ناگوار در زندگی برای دستیابی به استقلال و کاهش رنجهای روحی از راه پرداختن به فعالیتهای اقتصادی؛
- ❖ اثر پذیری از اعضای موفق خانواده بعنوان الگو و بهره‌گیری از دانسته‌های آن؛
- ❖ همخوان شدن دوره‌های آموزشی با نیازهای حرفه‌ای زنان، در راستای افزایش توانمندیهای آنان برای پرداختن به فعالیت اقتصادی و توسعه دادن آن؛
- ❖ برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌هایی به منظور آماده‌سازی زنان برای پرداختن به کارهای مستقل، تبادل دانش و اطلاعات، شناسایی و معرفی فعالیتهای سودمند و خوش آتیه برای زنان؛
- ❖ گزینش نوع فعالیتهای، برپایه نیازها، ویژگیها و توانایی‌های جنسیتی زنان و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه؛
- ❖ اصلاح برخوردهای منفی برخی سازمان‌ها، مؤسسات اقتصادی واجتماعی دولتی و خصوصی با زنان کارآفرین؛
- ❖ برپایی جشنواره زنان کارآفرین در سطح ملی و دادن جوایز به کارآفرینان برتر، به منظور تشویق کارآفرینی زنان؛
- ❖ ایجاد تسهیلات برای تامین منابع مالی زنان کارآفرین از راه حذف سپرده و ضمانت‌های غیر منطقی و غیر اصولی، تشویق بانکها به دادن وام‌های دراز مدت با بهره اندک به زنان، آسان کردن روند دریافت وام‌های خوداشتغالی و وام‌های کوچک تضمینی از دولت و مؤسسات اعتباری؛
- ❖ اصلاح قوانین بازرگانی و کار، قوانین مالیاتی کشور با در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی، ایجاد تسهیلات در زمینه‌ی صادرات و امور گمرکی و فراهم شدن امکان اخراج کارگران نالایق، آسان‌سازی جریان صدور پروانه کسب و کار برای زنان. (اطلاعات سیاسی، اقتصادی ۲۴۰)

منابع فارسی

- ۱- احمدپور، محمود: ۱۳۸۲، آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه را تغییر میدهد، رهیافت شماره ۲۹
- ۲- انصاری، حمید: حدیث بیداری، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸
- ۳- برنجی، محمدرضا: ذکر دفتر سوم، انتشارات بنیادانتقال به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۷۸
- ۴- پالاما آبوت و کلروالاس: جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشرنی، تهران، ۱۳۷۸
- ۵- زنجانی، هما: مجموعه مقاله جامعه شناسی و توسعه، « توسعه، زنان، جمعیت و توسعه»، انتشارات سمت، ج دوم، تهران.
- ۶- سامتی و همکاران ۱۳۸۲، تابع تولید، فصلنامه پژوهش در آموزش عالی شماره ۲۸ و ۲۷
- ۷- ساروخانی، باقر: مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، ناشر سروش، تهران، ۱۳۷۵
- ۸- سفیری، خدیجه: جامعه شناسی اشتغال زنان، ناشر موسسه فرهنگی انتشارات تبیان، تهران،
- ۹- شریف‌زاده ابوالقاسم: ۱۳۸۵، نقش آفرینی دانشگاهها، همایش ملی کارآفرینی، تهران.
- ۱۰- شیخی، محمدتقی: جامعه شناسی جهان سوم، انتشارات اشراقی، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۱- شیخی، محمدتقی: جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی، نشر شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۲- مطهری، مرتضی: مقدمه‌ی بر جهان بینی اسلامی، ج ۵ (جامعه و تاریخ)، انتشارات صدرا، (بی تا).
- ۱۳- منصورنژاد، محمد: مساله زن، اسلام و فمینیسم (در دفاع از حقوق زنان)، به کوشش حجت‌الله محمدشاهی، ناشر برگ زیتون،

- ۱۴- منصوری، رضا: ایران ۱۳۴۲ (عزم ملی برای توسعه‌ی علمی و فرهنگی)، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۵- نیک‌گهر، عبدالحسین: **مبانی جامعه‌شناسی**، ناشر رایزن، تهران (بی‌تا).
- ۱۶- هان جودیت: **مراقبت از کودک**، ترجمه مسعود اقبالی، ناشر مترجم، ۱۳۶۹
- ۱۷- فصلنامه علوم اجتماعی، «**تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تاکید بر اشتغال**»، اعظم راودراد، شماره ۱۵، بهار و تابستان، ۱۳۷۹
- ۱۸- **مجله اندیشه جامعه**: ش ۱۵، بهمن ماه، ۱۳۷۹
- ۱۹- **مجله فرهنگ و توسعه: ویژه نامه زنان**، سید مصطفی محقق داماد، اسفند ماه، ۱۳۷۶
- ۲۰- **اطلاعات سیاسی، اقتصادی**، انتشارات اطلاعات ۱۳۸۵ شماره ۲۴۰ و ۲۳۹

منابع انگلیسی

- 1- Morris, Michael (2006). **The Importance of Belong Entrepreneurial in Today's Changing University Environment**. Witting Chair in Entrepreneurship. Syracuse University and Hilton Visiting Chair Iowa State University.
- 2- Van Den Hoogen, Jan P.M. (1989). **Institutional Development in Higher Agricultural Education, in South North Partnership in Strengthening Higher Education in Agriculture** edited by W. Van der bor, J.C.M. Shoute and G.A.B. Moore, Pudoc Wageningen, Netherlands.
- 3- Zacharakis, Andrew L., Willim D. Bygrave, and Dean A. Shepherd. (2000) **Global Entrepreneurship Monitor: National Entrepreneurship Assessment: United States of America**. Kansas City: Kauffman Center for Entrepreneurial Leadership.

Archive of SID